



فاطمیان در مصر

(ویراست دوم)

دکتر عبدالله ناصری طاهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پاییز ۱۳۹۳

ناصری طاهری، دکتر عبدالله، ۱۳۳۹ -
فاطمیان در مصر / عبدالله ناصری طاهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
هفت: ۲۶۱ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۴: تاریخ؛ ۲)
بها: ۸۱۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۱۷]-۲۴۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
چ. ۲: ۱۳۹۰. چ. ۳: ویراست دوم: ۱۳۹۳، بها: ۸۱۰۰۰ ریال
۱. مصر - تاریخ - ۲۸۸-۵۷۶ق. ۲. فاطمیان - تاریخ. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
DT۹۵/۷/ن۲ف۲ ۱۳۹۳ ۹۶۲/۰۲ شماره کتابشناسی ملی
۲۰۰۸۱۲۵



فاطمیان در مصر (ویراست دوم)

مؤلف: دکتر عبدالله ناصری طاهری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: حیدر فروزان

صفحه آرای: اعتصام

چاپ سوم: ویراست دوم پاییز ۱۳۹۳

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۸۱۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰،

ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه کرده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد. متن حاضر به عنوان کتاب درسی برای دانشجویان رشته «تاریخ و تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، تدوین شده است. امید آنکه افزون‌بر جامعه دانشگاهی دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف گرامی، آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری تشکر و قدردانی نماید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: منابع تاریخ فاطمیان	۳
الف) منابع اسماعیلی-فاطمی	۳
ب) منابع اهل سنت	۷
ج) منابع غیر اسلامی	۱۰
د) مطالعات جدید	۱۱
فصل دوم: شکل‌گیری نهضت و عقاید اسماعیلیه	۱۵
سیر تاریخی فرقه	۱۵
منشأ و نسب اسماعیلیان	۲۱
نگاهی به عقاید اسماعیلیان	۲۶
امامت و رهبری نزد اسماعیلیان	۳۵
فصل سوم: شکل‌گیری دولت فاطمی در مغرب اسلامی	۴۳
ابوعبدالله شیعی در مغرب	۴۴
سلطه بربرها در مغرب	۴۸
فصل چهارم: مصر پیشا فاطمی	۵۱
مصر از فتح اسلامی تا ورود فاطمیان	۵۱
آغاز دعوت بنی‌عباس در مصر	۵۴
نهضت‌های شیعه این دوره	۵۵
مصر و دولت‌های مستقل ترک	۵۸
فصل پنجم: مصر فاطمی	۶۳
حملات فاطمیان به مصر	۶۴

۶۹	خلیفه به مصر می‌آید.....
۷۸	جانشین بی‌تدبیر.....
۷۹	خلیفه خردسال و خلافتی طولانی.....
۸۴	کشمکش وزیران.....
۸۷	فاطمیان و جنگ صلیبی.....
۱۰۰	پس از امیر.....
۱۰۱	سرآغاز فروپاشی.....
فصل ششم: ساختار دولت فاطمی.....	
۱۰۷	وزارت.....
۱۰۸	۱. رابطه توسعه دیوان‌سالاری و تحول نهاد وزارت.....
۱۱۳	۲. تأثیر تغییرات سیاسی بر نظام وزارت.....
۱۱۸	دیوان‌ها.....
۱۲۴	۱. دیوان مجلس.....
۱۲۴	۲. دیوان رسائل یا انشاء.....
۱۲۴	۳. دیوان نظر.....
۱۲۵	۴. دیوان تحقیق.....
۱۲۵	۵. دیوان الجیش.....
۱۲۵	۶. دیوان جهاد.....
۱۲۶	دارالصناعه.....
۱۲۶	دیوان جهاد (دیوان العمائر).....
۱۳۰	انواع کشتی‌ها.....
۱۳۲	سازماندهی کشتی‌ها برای جنگ.....
۱۳۳	سلاح‌ها، ابزارها و مهمات نیروی دریایی.....
۱۳۵	نقش بحریه در نبردها.....
۱۳۷	نظام قضایی فاطمیان.....
۱۴۰	منابع مالی دولت فاطمی.....
۱۴۲	
فصل هفتم: نظام اجتماعی و اقتصادی مصر در عصر فاطمی.....	
۱۴۵	طبقات در دوره فاطمی.....
۱۴۵	طبقه خواص در عصر فاطمیان.....
۱۴۶	خلیفه و امتیازات شاهی.....
۱۴۶	دیگر گروه‌های برگزیده.....
۱۴۷	طبقه عوام در عصر فاطمیان.....
۱۴۷	طبقه زنان در دولت فاطمی.....
۱۴۸	

۱۴۹	مذاهب دیگر در سایه خلافت فاطمی
۱۶۷	آداب و رسوم جامعه
۱۶۹	اقتصاد مصر در عصر فاطمی
۱۷۲	بحران‌های اقتصادی و اجتماعی
فصل هشتم: سیمای فرهنگی مصر		
۱۷۵	قاهره معزی جلوه هنر و فرهنگ فاطمی
۱۷۷	جامع‌الازهر، نماد فرهنگی اسماعیلیان فاطمی
۱۸۱	دارالعلم یا دارالحکمه، دانشگاه جدید فاطمیان
۱۸۲	مدارای فکری فاطمیان و حضور عالمان بزرگ
فصل نهم: سیاست خارجی فاطمیان		
۱۸۵	۱. افریقیه و دولت خودمختار بنوزیری
۱۸۶	۲. بنو حمّاد در صفحات میانی مغرب
۱۸۷	۳. مرابطین و موحدین در مناطق غربی شمال آفریقا
۱۹۰	۴. أمویان اندلس و سیسیل
۱۹۱	۵. روابط با بیزانس
۱۹۲	۶. روابط با دولت‌های شام
فاطمیان		
۱۹۳	وزیران دولت فاطمی در مصر
۱۹۹	وزیران به تفکیک دوره خلفا
۲۰۳	مقیاس‌ها در دولت فاطمیان
۲۰۵	اصطلاحات تاریخی دوره فاطمیان
۲۱۱	والیان مصر
۲۱۷	کتابشناسی فاطمیان
نمایه اشخاص		
۲۴۳	
نمایه مکان‌ها		
۲۵۷	

مقدمه

دولت فاطمی در اواخر قرن سوم هجری در حوزه شرقی مغرب اسلامی طلوع کرد و پس از حدود شش دهه دعوت و تبلیغ به مصر رفت و در آنجا پا گرفت و بعد از دویست و هفتاد سال در همان جا غروب کرد. دولت فاطمی مصر یکی از درخشان‌ترین دوران فرهنگ و تمدن اسلامی را ثبت کرده است. این حکومت اسماعیلی مذهب، زمانی که توانست در مصر امپراتوری قدرتمندی بنا نهد، به مثابه رقیبی مهم و تهدیدی جدی برای دو سلطه دینی و سیاسی آن روزگار یعنی خلافت عباسی و سلطنت سلجوقی به شمار می‌رفت. به‌رغم درگیری‌های شدید فکری، سیاسی و نظامی این دو قدرت و وابستگان آنها با این دولت شیعی اسماعیلی که حتی هجوم گسترده صلیبی‌ها علیه مسلمانان را تحت الشعاع قرار داده بود، فاطمیان توانستند دولتی مقتدر و مؤثر بنیان گذارند.

کتاب پیش‌رو که از چاپ نخست آن بیش از یک دهه می‌گذرد، نتیجه چند سال تدریس و پژوهش در این حوزه است و اینک با تجدیدنظر و افزوده‌هایی به‌عنوان ویراست جدید در نه فصل به اختصار زمینه‌های شکل‌گیری دولت فاطمیان و سیر تحول تاریخی آن را به‌همراه نقش اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این دولت بررسی و افزون بر آن به نظام دیوانی آن نیز اشاره می‌کند. نقش اساساً مغفول فاطمیان در جنگ‌های صلیبی از فصل‌های جدید این ویراست است. معرفی و توضیح اصطلاحات تاریخی فاطمیان و کتابنامه به نسبت مطلوب این دوره تاریخی که اغلب آنها توسط نگارنده استفاده شده است، کارگاهی برای پژوهشگران تاریخ فاطمی است. در این ویراست از حاصل قلم سه تن از دانشجویان عزیزم خانم‌ها لیلا خسروی، مهدیه صمدی منفرد و آقای جواد فتحی بهره گرفته و در جای خود به آن اشاره کرده‌ام که برای ایشان

آرزوی توفیق بیشتر دارم. پس از چاپ نخست اثر که اولین کتاب درسی در این موضوع بود، همکاران دانشگاهی بنده کتاب‌های دیگری تألیف کردند و بر دانش و اطلاعات تاریخی ما درباره فاطمیان افزودند که باید سپاسگزارشان بود. امید است ویراست جدید فاطمیان در مصر مورد استفاده دانشجویان و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

عبدالله ناصری طاهری

تابستان ۱۳۹۲

فصل اول

منابع تاریخ فاطمیان

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان منابع فاطمیان را در چهار دسته آثار اسماعیلی، اهل سنت و منابع غیر اسلامی و مطالعات جدید جای داد. پیش از معرفی آنها این نکته گفتنی است که چون موضوع کتاب به تاریخ سیاسی و اجتماعی خلفای فاطمی در حوزه جغرافیایی مصر اشاره دارد، طبعاً منابعی ویژه تاریخ مغرب اسلامی (شمال آفریقا) در دسترس است که دوره شصت‌ساله استقرار این دولت در مغرب‌الادنی یا آفریقاییه را شرح داده است که نگارنده در این فصل به آنها اشارتی ندارد.

الف) منابع اسماعیلی - فاطمی*

قدیمی‌ترین اثر تاریخی رساله افتتاح الدعوه و ابتداءالدوله تألیف سال ۱۴۱۶ق نعمان بن محمد تمیمی معروف به قاضی ابن حیون یا قاضی نعمان، قاضی القضاة دولت فاطمیان است. او این اثر تاریخی را به دستور المعز لدین الله چهارمین خلیفه فاطمی نوشت و از آغاز دعوت رسمی اسماعیلیان در یمن تا ظهور دولت فاطمی و مقدمات شکل‌گیری آن را بحث کرده است. همین فقیه تاریخ‌نگار اسماعیلی کتاب دیگری در حوزه تاریخ اسماعیلی به نام شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار^۱ در شانزده جزء نوشته که در ظاهر مفقود است. او در این اثر، تاریخ شیعه اسماعیلی را از آغاز امامت امام علی (علیه السلام) و از امامت اسماعیل تا ظهور عییدالله المهدی تصویر و تبیین کرده است. کتاب المجالس و المسایرات که در باب عقاید و تاریخ اسماعیلیه نوشته شده، اثر دیگر

* آدرس کتاب‌های معرفی شده در این قسمت در کتابشناسی آورده شده است.

۱. اجینی، فهرسةالکتاب و الرسائل و لمن هی من العلماء و الائمه و الحدود الافاضل، ص ۳۷.

قاضی نعمان است. این اثر نه تنها در تاریخ و سیره که در عقاید و ادبیات فاطمی مطالب فراوانی دارد. مهم‌ترین مباحث عقیدتی آن، بحث امامت، نسب اسماعیلیان و نقد غلو برخی از طرفداران در مورد امامان اسماعیلی و فاطمی است. محتوای کتاب در واقع دیدگاه‌های مختلف المعز لدین‌الله چهارمین خلیفه فاطمی است که توسط قاضی نعمان تقریر شده است. اختلاف اصول‌المذاهب نیز متن دیگری از قاضی نعمان است که می‌توان در باب اندیشه سیاسی فاطمیان بر آن تأکید کرد.

عیون الاخبار و فنون الآثار فی فضائل الانمة الاطهار (۱۴۰۴-۱۴۰۶ق) را که درباره تاریخ عمومی است، یکی از داعیان اسماعیلی در یمن به نام ادریس عمادالدین بن حسن بن عبدالله قریشی در هفت جلد (سبع) نوشته است و بیشتر تاریخ‌نگاران اسماعیلی و غیر اسماعیلی به آن اعتماد کرده‌اند؛ هر چند بی‌دقتی تاریخی در آن مشهود است.^۱ او در جلد اول به سیره پیامبر ﷺ و حضرت زهرا (علیها السلام) در جلد دوم به سیره حضرت علی (علیه السلام) و در جلد سوم به جهاد امام در سه جبهه قاسطین، مارقین و ناکشین اشارت دارد. جلد چهارم را به تاریخ امام حسن (علیه السلام) تا عبیدالله المهدی مؤسس دولت فاطمیان اختصاص داده و به تفصیل از واقعه عاشورا سخن گفته است. جلد پنجم تا هفتم نیز اخبار مربوط به جانشین عبیدالله المهدی تا المستنصر خلیفه هشتم و تاریخ دولت بنوصلیح در یمن و قیام نزاریان را شامل می‌شود. اساس آنچه ادریس در جلد هفتم نگاشته تاریخ الیمن عماره یمنی است.

از همین مورخ کتاب تاریخی دیگری به نام روضة الاخبار و نزهة الاسمار فی حوادث الیمن الکبار و الحصون و الامصار^۲ موجود است که تکلمه‌ای بر کتاب دیگر وی به نام نزهة الافکار است که این کتاب در دو جزء به تاریخ اسماعیلیان در یمن تا سال ۸۵۳ق پرداخته است. قریشی کتابی به نام زهرالمعانی در کلام دارد که از کتاب سیره المؤیدیه نوشته هبة‌الله بن موسی شیرازی - معروف به المؤید فی‌الدین، حجت فاطمیان در عراق که در واقع خود

۱. ادریس عمادالدین معتقد است زبیده زن هارون الرشید از اتباع محمد بن اسماعیل بوده و برای محمد خبر می‌آورده است. ر.ک: قریشی، عیون الاخبار و فنون الآثار...، ج ۷، ص ۲۷۱.

یا برای مثال در همین مجلد در ذیل واقعه عاشورا می‌نویسد: علی اکبر همان زین‌العابدین است. البته گفتنی است این پندار را پیش از او قاضی نعمان در «المناقب و المثالب» المؤید فی‌الدین شیرازی در «مجالس المؤیدیه» و حمیدالدین کرمانی در «معاصم الهدی» آورده‌اند.

۲. این اثر توسط محمد بن علی الاکوح تحقیق و در سال ۱۹۹۵م از سوی الهيئة العامة الیمنیه للکتاب در صنعا چاپ شده است.

احوال‌نویس اوست - حوادث سال‌های ۴۲۹ تا ۴۵۰ ق را گزارش کرده و این یکی از مهم‌ترین منابع عصر المستنصر بالله هشتمین خلیفه فاطمی است. از آنجا که نویسنده به عنوان یکی از نزدیکان دربار فاطمی خود شاهد بسیاری از رخداد‌های درونی حکومتی بوده، به نقش وزیران و اوضاع داخلی دربار توجه داشته است.

کتاب اعلام النبوه تألیف یکی دیگر از متفکران اسماعیلی به نام ابوحاتم رازی در زمینه اندیشه فلسفی و سیاسی اسماعیلیه اهمیت خاصی دارد. محتوای آن که مناظرات نویسنده با محمدبن زکریای رازی است، شامل مباحث فلسفی، کلامی و اثبات ضرورت امام از جانب ابوحاتم است. بی‌تردید این کتاب را باید یکی از منابع مهم کلامی و فکری اسماعیلیه نامید، زیرا در نظریات متفکران اسماعیلی قرون بعدی تأثیر فراوانی داشته است.

ناصر خسرو قبادیانی بلخی شاعر قصیده‌سرای ایرانی که به کیش اسماعیلی درآمد، کتاب وجه دین را در باب عقاید اسماعیلیه نوشت. این کتاب یکی از محکم‌ترین متون عقیدتی و کلامی اسماعیلیه است. در زمینه معرفی اندیشه سیاسی اسماعیلیان از سفرنامه وی نیز - که سرزمین‌های مصر، شام، حجاز و... را در فاصله سال‌های ۴۳۷ تا ۴۴۴ ق با توجه به اقامت سه‌ساله در مصر توصیف کرده است اهمیت دارد - می‌توان استفاده کرد.

النکت العصریة فی اخبار الوزراء المصریة تألیف عماره یمنی از دیگر منابع مهم این دوره است. وی - از وزیران دربار فاطمی بود که پس از سقوط خلافت فاطمی توسط صلاح‌الدین ایوبی به دلیل حمایت سرسختانه از اندیشه فاطمیان کشته شد - در این کتاب و در قالب قصیده، سیره سیاسی وزیران و نفوذ آنها در دربار خلافت را توضیح داده و جامعه مصری را در واپسین دوران حیات فاطمیان به تصویر کشیده است.

السجلات المستنصریة در بردارنده شصت و شش نوشته و سند باقی از دوره هشتمین و نهمین خلیفه فاطمی است. این اثر که توسط یکی از متخصصان معاصر مصری احیا و چاپ شده، از منابع مهم تاریخ اجتماعی مصر در دوره فاطمیان است. این کتاب که در ظاهر تنها نسخه آن در هند و نزد یکی از اسماعیلیان بوده است، مراسلات دو خلیفه المستنصر بالله و المستعلی بالله با فرمانروایان اسماعیلی مذهب بنوصلیح در یمن را در بر دارد.

سیره جعفر حاجب^۱ یا سیره جعفر بن منصور الیمین - داعی اسماعیلی - در دوره العزیز بالله

۱. این سیره توسط ایوانف در مجله کلیة الآداب، جامعة القاهرة، ۱۹۳۹ م چاپ شده است.

فاطمی نوشته شده است. این اثر درباره شکل‌گیری دولت فاطمی و حوادث آن دوران حکایت‌های خواندنی و ارزشمندی دارد. او با اینکه در امر دعوت نقشی نداشت؛ اما در بیشتر لحظه‌ها و رویدادهای مهم حضور داشت و به گفته واکر اگر در صحنه‌ای حضور نداشت، از گفته فردی که حاضر بود حادثه را نقل می‌کرد.^۱ این کتاب با بیان جزئیاتی از زندگی امام المهدی در سلمیه شروع و تا رسیدن به رقاده ختم می‌شود. واکر معتقد است سیره جعفر به قلم خودش نیست؛ بلکه مؤلف متأخری به نام محمدبن محمد یمنی در عصر العزیز آن را نوشته است.^۲ سیره جوذر هم از منابع مهم فاطمی است.^۳ واکر در مورد این سیره می‌گوید:

جوذر در اینجا به خاطر سیره‌ای که از او به وسیله کتاب شخصی‌اش، ابوعلی منصور جوذری، نوشته شده است، اهمیت دارد. سیره استاذ جوذر که از لحاظ فنی نه یک خاطره‌نگاری است و نه روایت یک شاهد عینی، کتابی است که به دشواری می‌توان آن را در مقوله معینی قرار داد. اما، نویسنده آن، ابوعلی منصور، در سال ۳۵۰ق/۹۶۱م به خدمت مخدوم و ارباب خود درآمد و تا زمان مرگ او، که هنگامی که همراه معز به مصر می‌رفت، در سال ۳۶۲ق/۹۷۳م در راه اتفاق افتاد، در خدمت او باقی بود. پس از آن چند سمت از سمت‌هایی را که بیشتر جوذر داشت به میراث برد و همچنین نام عزیز را بر نام خود افزود که نشان می‌داد در خدمت این خلیفه بوده است. آنچه منصور می‌بایست بر روی آن کار کند داستان زندگی مخدومش نبود، بلکه بایگانی شخصی نامه‌ها و اسنادی بود که مقدار زیادی از آنها را خلیفه برای جوذر فرستاده بود. گذشته از این، روشن است که بایگانی اسناد جوذر خیلی بیشتر و گسترده‌تر از موادی بوده است که منصور انتخاب کرده بود تا اهمیت و مقام والای او را، نزد امامانی که بدان‌ها خدمت کرده بود، بنمایاند. به یک معنا، بسیاری از آنچه در این سیره آمده است، موادی است که متعلق به فصل پیش درباره اسناد دولتی است. اما سیره، در عین حال، شرح فعالیت‌ها و کارهای شخصی جوذر و آنچه دیده و کرده است نیز هست؛ اما نه به صورت روایت و داستانی که نقل شود، بلکه از طریق اسنادی که جزء اساسی آنها بوده است. رساله استتار الامام^۴ نیز که همانند سیره حاجب در زمان العزیز و توسط احمدبن ابراهیم نیشابوری (یکی از اسماعیلیان) نوشته شده، درباره حوادث عصر نخستین فاطمی اهمیت دارد.

۱. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۱۷۴.

۲. ابن هیثم، پیدایی فاطمیان و گفتگوهای درونی شیعیان در المناظرات، ص ۶۵.

۳. متن عربی، ویراسته محمد کامل حسین و محمد عبدالهادی شعیره است که در سال ۱۹۵۴م در قاهره چاپ شده است.

۴. این رساله را نیز ایوانف در مجله کلیة الآداب، جامعة القاهرة، ۱۹۳۹م چاپ کرده است.

در اصل، جوذر، وقتی به خدمت فاطمیان درآمد، غلام جوانی بود که پیشتر در نزد اغلییان خدمت کرده بود. بنابراین، کارش را در زمان مهدی آغاز کرد. هر خلیفه‌ای که پس از آن روی کار آمد، به وی قدرت بیشتری داد. در نهایت، وی به منابع درآمد پولی محرمانه خلفا رسیدگی می‌کرد و خزاین شخصی آنها را زیر نظر داشت. وی عمیقاً درگیر امور دریایی نیز بود، و این امر و فعالیت‌های دیگرش او را توانگر و ثروتمند کرد. با شروع جانشینی منصور گویا از وی خواسته شد که دیگر اعضای خاندان خلافت را راهنمایی کند و اگر لازم باشد به ضبط و ربط امور آنها بپردازد. این او بود که از نصب و تعیین پنهانی امام بعدی محرمانه خبر داشت. البته، همه مسئولیت‌ها و وظایف او این چنین مهم نبودند؛ ولی، حقیقت این است که حتی در نقل چیزهای نه چندان مهم، «زندگینامه» اش تقریباً به گونه‌ای انحصاری نظر یک ناظر درونی حکومت را در بالاترین سطح برای ما محفوظ داشته است.^۱

ب) منابع اهل سنت

تاریخ ابن اثیر جزری که به الکامل فی التاریخ^۲ مشهور است، یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی اهل سنت و یک دوره تاریخ عمومی است. این کتاب افزون بر آنکه به دلیل ویژگی‌های تاریخ‌نگاری نویسنده نسبت به بسیاری از کتاب‌های تاریخی عمومی برتری دارد، به سبب هم‌عصری نویسنده با اوج‌گیری فاطمیان و اسماعیلیان در نیمه دوم قرن ششم نیز اهمیت خاصی دارد. ابن اثیر در کتاب خود، مطالب زیادی درباره فاطمیان و اسماعیلیان آورده است. ابن خلدون مورخ دیگر اهل سنت که در مغرب زمین می‌زیسته است، نسبت به پیشینیان با انصاف بیشتری به اسماعیلیان پرداخته است. او معتقد است قیل و قال علما در طعن فاطمیان و اسماعیلیان، بی‌اساس و اصل و نسب آنان صحیح است و به امام صادق (علیه السلام) می‌رسد. وی سخن مستوفایی در مورد فاطمیان مغرب و مصر دارد.^۳

مقریزی نیز که در قرون هشتم و نهم در مصر می‌زیسته، یکی از تاریخ‌نگاران منصف اهل سنت است که آثاری در مورد فاطمیان و عقاید و اصالت آنان دارد که از میان آنها باید به تاریخ سه جلدی اتعاض الحنفاء بذكر الائمة الفاطميين الخلفاء اشاره کرد. او کتاب خود را با بحث

۱. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۲. ترجمه فارسی این اثر با مشخصات ذیل چاپ شده است: کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، [بی‌تا]. ۳. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۷۰-۲۷۹.

درباره نسب فاطمیان اسماعیلی مذهب - که مهم‌ترین بحث تاریخی درباره اسماعیلیان است - شروع و با سخن درباره العاضد، آخرین خلیفه فاطمی مصر ختم می‌کند. او همچنین در کتاب خود دیدگاه‌های مخالفان اصالت نسب اسماعیلیان را رد می‌کند. این کتاب یکی از مشهورترین آثار تاریخی عصر فاطمیان است. المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار معروف به «خطط»، اثر دیگر مقریزی درباره تاریخ اجتماعی مصر است و در آن، در خصوص پایتخت فاطمیان (قاهره) به تفصیلی بی‌نظیر سخن گفته است.

اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم تألیف ابو عبدالله محمد صنهاجی در قرن ششم که با نام تاریخ فاطمیان^۱ به فارسی برگردانده شده است، تاریخ سیاسی دولت فاطمیان را از ظهور در مغرب تا زوال در مصر در بردارد. کتاب اخبار مصر اثر ابن میسر متوفای ۶۷۷ق هم از غنی‌ترین منابع تاریخ فاطمیان است.

امین‌الدین ابوالقاسم علی بن منجب بن سلیمان کاتب معروف به ابن صیرفی صاحب دیوان جیش و دیوان انشا در عصر المستنصر، المستعلی، الأمر باحکام الله و الحافظ لدین الله دو کتاب مهم در حوزه تاریخ اجتماعی فاطمیان یکی القانون فی دیوان الرسائل و دیگری الاشارة الی من نال الوزارة بر جای گذاشته است.^۲

ابن صیرفی کتاب نخست را - که بدون شک نخستین اثر در این زمینه نیست - درباره ویژگی‌های کارکنان و مراتب دیوان رسائل یا انشا نوشته است و اثر دوم را در شرح حال وزیران دولت فاطمی از یعقوب بن کلس اولین وزیر فاطمی تا مأمون بطائحی - که پایان وزارتش در ۵۱۹ق بوده است - تألیف کرده است. هر چند وی نزدیک به بیست و دو سال بعد از این تاریخ فوت کرده، اما به هر دلیل آخرین وزیر معرفی شده در الاشارة، مأمون بطائحی است.

نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین تألیف ابو محمد مرتضی عبدالسلام بن حسن قیسرانی مشهور به ابن طویر - که در اواخر عصر فاطمی متولی دیوان الرواتب بوده - یکی از آثار تاریخی مهم عصر فاطمی و ایوبی است. این کتاب مهم که مفقود شده^۳ از منابع و مآخذ اساسی

۱. ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.

۲. این دو رساله توسط دکتر ایمن فؤاد سید تحقیق و در یک مجلد چاپ شده است، قاهره: الدار المصرية اللبنانية، ۱۴۱۰ق. نخستین بار عبدالله بن محمد عبدالله مدیر اوقاف اسلامی بیت المقدس و عضو مجمع علمی العربی در دمشق، این رساله را در مجله «المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة» در سال ۱۹۲۴-۱۹۲۵م چاپ کرده است.

۳. ایمن فؤاد سید این کتاب را با تکیه بر آثار متأخرین، گرد آورده است.

تاریخ‌نگارانی چون ابن‌فرات، ابن‌خلدون، مقریزی، قلقشندی و... است. نزهة المقلتین درباره نظام حکومتی فاطمیان و آداب و رسوم دربار و نیز حوادث سیاسی و اجتماعی مصر در نیمه اول قرن ششم هجری مطالب ارزنده و بی‌نظیری دارد.

المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم تألیف ابوالفرج ابن‌جوزی و الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیه نوشته شهاب‌الدین عبدالرحمن مقدسی معروف به ابوشامه از آثار دیگر تاریخ‌نگاران اهل سنت است که درباره فاطمیان مطالبی دارد. همچنین مفرح‌الکروب فی اخبار بنی‌ایوب تألیف ابن‌واصل نیز درباره اواخر عصر فاطمی اخبار خواندنی دارد. یکی از منابع تاریخی مهم این دوره، جلد ششم تاریخ کنز‌الدرر و جامع‌الغرر به نام الدررة المضمیئة فی اخبار الدولة الفاطمیة اثر عبدالله بن‌ایبک دواداری است. او در این کتاب به اخبار خلافت فاطمی و دولت‌های مقارن آنها مانند بنو‌حمدان، آل‌بویه، بنو‌صلیح در یمن و نیز قرمطیان پرداخته است.

النجوم‌الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة اثر ابوالمحاسن بن‌تغری بردی که از آغاز دوره اسلامی تا سال ۸۷۲ق را در بر می‌گیرد و همچنین کتاب حسن‌المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة نوشته سیوطی در این دوره، مهم و قابل توجه است. در میان تاریخ‌نگاران، کتاب پراوازه صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء قلقشندی را نباید از نظر دور داشت. در این کتاب درباره نظام دیوانی و آثار و ابنیه فاطمیان سخنان بدیعی یافت می‌شود.

گروهی دیگر از منابع اهل سنت، مشتمل بر اندیشه‌نگاری یا تاریخ‌فرق است که طبعاً با نگاهی خصمانه به فرقه اسماعیلیه و دولت فاطمی نوشته شده است. در میان این گروه، مکتوبات امام محمد غزالی و خواجه نظام‌الملک طوسی در معرفی اندیشه اسماعیلیه نقش بسزایی دارد.

امام محمد غزالی علیه اسماعیلیان با خطاب آنها به باطنیه در آثار متعدد خود مانند المنقذ من الضلال و القسطاس‌المستقم مطالبی نوشته؛ اما مهم‌ترین آنها، فضائح‌الباطنیة و فضائل‌المستظهریة است. این کتاب با توجه به جایگاه غزالی در میان اهل سنت تأثیر عمده‌ای در ادبیات ضد اسماعیلی بر جای گذاشت. علی‌بن‌ولید قریشی یکی از داعیان اسماعیلی در قرن هفتم، کتاب غزالی را رد و اثری ماندگار با نام دامغ‌الباطل و حثف‌المناضل ثبت کرده است. ابوعلی حسن‌بن‌علی بن‌اسحاق طوسی مشهور به خواجه نظام‌الملک در آینه‌اندیشه خود، «سیاست‌نامه یا سیرالملوک» بر خوردی خصمانه با اسماعیلیان داشته و آیین آنان را چون شریعت

مانی و مزدک التقاطی و الحادی دانسته است. خواجه طوس ضمن توجیه مشروعیت دستگاه خلافت و سلطنت سلجوقی، مخالفان آن دو از جمله اسماعیلیان را تکفیر و تفسیق می‌کند.

ج) منابع غیر اسلامی

تاریخ انطاکی یا صلة تاریخ اوتیخا^۱ تألیف یحیی بن سعید انطاکی - از مسیحیان ملکایی مصر و متوفای ۴۵۸ق - شامل تاریخ قبطیان و کلیساهای آنان در دوره نخستین خلافت فاطمی است. تاریخ انطاکی ذیلی است بر تاریخ ابن بطریق که رویدادهای تا اوایل قرن چهارم را شرح و یحیی انطاکی تا یک قرن - ۴۲۵ق / ۱۰۳۴م - آن را ادامه داده است. انطاکی تا سال ۴۰۵ در مصر بوده و سپس به انطاکیه شام رفته است. لذا تا این سال شاهد عیان در مصر بوده است.

کتاب تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية تألیف ساویروس^۲ معروف به ابن مقفع اسقف اشمونین و معاصر المعز لدين الله فاطمی و کاتب دیوان او در حوزه تاریخ اجتماعی قبطیان در این عصر ارزشمند است. این کتاب ذیلی به نام سیر البیعة المقدسه به قلم گروهی از راهبان قبطی دارد و یکی از ارزشمندترین منابع تاریخ اجتماعی عصر فاطمی دوم - عصر وزیران - است و اطلاعات مفیدی در خصوص اهل ذمه ارائه می‌دهد. کتاب دیگر کنائس و ادیره مصر معروف به تاریخ ابوصالح ارمنی متوفای ۶۰۵ق است.

مختصر تاریخ الدول نوشته ابن العربی از کتاب‌های تاریخی مشهور در حوزه غیر مسلمانان است که به اختصار مطالبی درباره فاطمیان دارد. بنیامین تطیلی اندلسی سیاح و کشیش مسیحی در قرن ششم هجری در سفرنامه خود^۳ از اسماعیلیان نوشته است. این سیاح غربی سفر خود را از سرقسطه شروع و در بغداد تمام کرده است.

ویلیام صوری سراسقف شهر صور در جنوب لبنان که از تاریخ‌نگاران مشهور جنگ‌های صلیبی است در وقایع‌نامه خود که در بیست و سه جزء تدوین شده، اسماعیلیان را به تفصیل شرح داده است. این کتاب در سال ۱۹۹۰م توسط یکی از استادان صوری به عربی ترجمه شده است.^۴

۱. سعید بن بطریق معروف به اوتیخا - Eutychius - تاریخ خود را تا سال ۴۲۲ق نوشته و یحیی بن سعید انطاکی آن را ادامه داده است. این دو تاریخ توسط لوئیس شیخو تحقیق و در ۱۹۰۵ و ۱۹۰۹م در بیروت چاپ شده است.

2. Severus.

۳. تطیلی اندلسی، رحله ابن یونه الاندلسی الی بلاد المشرق الاسلامی.

۴. صوری، تاریخ الحروب الصلیبیه الاعمال المنجزه فیما وراء البحار.

ژان دو ژوتنویل واقعه‌نگار فرانسوی است که لوئی نهم پادشاه فرانسه را در جنگ صلیبی همراهی و از آنچه در شرق مدیترانه و مصر دیده، از جمله اسماعیلیان و فاطمیان در کتاب خود یاد کرده است.^۱

د) مطالعات جدید

تحقیقات جدید در خصوص مطالعات اسماعیلی در واقع و عمل از سال‌های ۱۹۳۰م در هند آغاز شده است؛ جایی که مجموعه‌های مهمی از نسخه‌های خطی و دست‌نویس‌های آثار اسماعیلی در جامعه اسماعیلی بهره‌محفوظ مانده بود. این پیشرفت تازه به‌طور عمده در نتیجه تلاش‌های ولادیمیر ایوانف و چند دانشمند بهره^۲ اسماعیلی، به‌ویژه آصف علی اصغر فیضی (۱۸۹۹-۱۹۸۱م)، حسین ف. همدانی (۱۹۰۱-۱۹۶۲م) و زاهد علی (۱۸۸۸-۱۹۵۸م) - که مطالعات اصلی خود را بر پایه مجموعه‌های دست‌نویس خانوادگی نهاده بودند - به دست آمد. ایوانف که پس از ترک وطن خود روسیه در ۱۹۱۷م در بمبئی سکنی‌گزید، همچنین موفق شد که به نوشته‌ها و ادبیات نزاریان دست پیدا کند. بعدها وی نخستین فهرست توصیفی از آثار اسماعیلی را تألیف کرد و در آن از هفتصد عنوان جداگانه نام برد که بر غنا، تکثیر و تنوع ادبیات اسماعیلی و سنت‌های فکری و عقلانی آنها گواهی می‌داد. آغاز تحقیقات جدید در مطالعات اسماعیلی را در حقیقت می‌توان تا انتشار این فهرست دنبال کرد که چارچوبی علمی برای تحقیق بیشتر در این زمینه را فراهم کرده است. تحقیقات اسماعیلی با تأسیس «انجمن اسماعیلی» در سال ۱۹۴۶م در بمبئی با حمایت سلطان محمد شاه، آقاخان سوم (۱۸۷۷-۱۹۵۷م)، چهل و هشتمین امام اسماعیلیان نزاری، نیروی محرکه زیادی پیدا کرد. ایوانف نقش اساسی در ایجاد این انجمن داشت و سلسله انتشارات مختلف انجمن به‌طور عمده وقف چاپ رساله‌های منفرد یا تک‌نگاشت‌های او و نیز ویرایش و ترجمه آثار فارسی نزاری می‌شد که وی انجام می‌داد. ایوانف همچنین تعداد زیادی نسخه‌های فارسی و عربی برای کتابخانه انجمن اسماعیلی به دست آورد.

تا سال ۱۹۶۳م که ایوانف ویراست جدیدی از فهرست خود را منتشر کرد، منابع و مآخذ

۱. ژوتنویل، القدیس لوئیس حیات و حملات علی مصر والشام. این دو اثر در مجموعه «تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی» ترجمه و چاپ شده است.

۲. شاخه‌ای از اسماعیلیان.

اسماعیلی فراوان دیگری شناخته و متون متعددی ویراسته و چاپ شده بود و راه برای پیشرفت بیشتر در این زمینه به نسبت جدید در مطالعات اسلامی آماده کرده بود. در ارتباط با این موضوع، به ویژه باید از متون اسماعیلی فاطمی و دوره‌های بعد یاد کرد که هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸م) به ویرایش و بررسی آنها همت گماشته و این آثار در تهران و پاریس در سلسله انتشارات گنجینه نوشته‌های ایرانی او منتشر شده بود و نیز از متون فاطمی که به وسیله دانشمند مصری، محمد کامل حسین (۱۹۰۱-۱۹۶۱م) در سلسله مخطوطات الفاطمیین او در قاهره منتشر شد.

در این میان برخی از محققان روسی مانند آندری ا. برتلس (۱۹۲۶-۱۹۹۵م) و لیود میلاو استراوئا (۱۹۱۰-۱۹۹۳م)، علاقه‌های پیشین هم‌وطنان خود را در مطالعات اسماعیلی حفظ کرده بودند. عارف تامر (۱۹۲۱-۱۹۹۸م) و مصطفی غالب (۱۹۲۳-۱۹۸۱م) متون اسماعیلی محفوظ در سوریه را در دسترس دانشمندان و محققان قرار دادند و همچنین برخی دانشمندان و محققان مصری مانند حسن ابراهیم حسن (۱۸۹۲-۱۹۸۱م)، جمال‌الدین الشیال (۱۹۱۱-۱۹۶۷م) و عبدالمنعم ماجد (۱۹۲۰-۱۹۹۹م) به مطالعات فاطمی کمک شایانی کردند.

در همان زمان محققان اروپایی نیز مانند پل کازانوا (۱۸۶۱-۱۹۲۶م)، ماریوس کانارد (۱۸۸۸-۱۹۸۲م) و پل کراوس (۱۹۰۴-۱۹۴۴م) به این‌گونه مطالعات پرداخته بودند. تا نیمه دهه ۱۹۵۰م پیشرفت در تحقیقات اسماعیلی به مارشال هاجسن (۱۹۲۲-۱۹۶۸م) این توانایی را داد که نخستین بررسی و پژوهش جامع را درباره نزاریان الموت انجام دهد. به زودی، محققان دیگری که نماینده نسل جدیدی از پژوهشگران بودند، به خصوص سیموئل م. استرن (۱۹۲۰-۱۹۶۹م) و ویلفرد مادلونگ، بررسی‌های راهگشای خود را به ویژه درباره اسماعیلیان نخستین و نو قرمطیان منتشر کردند. در حقیقت، پروفیسور مادلونگ به طرز استادانه‌ای وضعیت جاری پژوهش در تاریخ اسماعیلیان را در مقاله خود به نام اسماعیلیه که برای ویرایش جدید دائرةالمعارف اسلام نوشته بود، جمع‌بندی و خلاصه کرد.

پیشرفت جدید در بازیابی و مطالعه منابع اسماعیلی به خوبی در کار سترگ پروفیسور اسماعیل ک. پوناوالا که در آن هزار و سیصد عنوان - که توسط بیش از دویست مؤلف اسماعیلی نوشته شده - معرفی شده و نیز در کتاب ادبیات اسماعیلی وی انعکاس یافته است.

تحقیق در بررسی‌های اسماعیلی همچنان حتی با گام‌های سریع‌تر بر اثر کوشش‌های نسل دیگری از محققان و پژوهندگان از جمله عباس همدانی، هاینس هالم و پاول واکر ادامه یافته و از آن جهت که خود اسماعیلیان نیز به‌طور فزاینده‌ای علاقه‌مند به مطالعه و بررسی میراث ادبی و تاریخی خود هستند، همچنان ادامه خواهد یافت.

در این بافتار، مؤسسه تحقیقات اسماعیلی که در سال ۱۹۷۷م توسط والجاه پرنس کریم آفاخان چهارم - امام فعلی اسماعیلیان نزاری - بنیان گذاشته شده است، نقش بزرگی را ایفا می‌کند. این مؤسسه اکنون به‌عنوان یک کانون مرکزی ارجاع برای تحقیقات اسماعیلی عمل می‌کند و در عین حال، خود نیز از راه برنامه‌های مختلف تحقیقاتی و انتشاراتی ادای دین می‌کند. در میان این برنامه‌ها، به‌ویژه باید یاد کرد از تک‌نگاشت‌هایی که در سلسله انتشارات میراث اسماعیلی مؤسسه به چاپ می‌رسد و هدف از آن قرار دادن نتایج تحقیقات جدید و سنت‌های عقلانی و فرهنگی اسماعیلیان در دسترس مخاطبان بیشتر و گسترده‌تری است و سلسله انتشارات متون اسماعیلی و ترجمه‌ها که در آن ویرایش انتقادی متن‌های عربی و فارسی، همراه با ترجمه انگلیسی و پیشگفتارهایی مبتنی بر متن به چاپ می‌رسد.

دانشمندان بسیاری از سراسر جهان در این برنامه‌های علمی و نیز در سلسله انتشارات جدیدی که به تازگی درباره رسائل منسوب به اسماعیلیه یعنی رسائل اخوان‌الصفاء، آغاز شده است شرکت دارند و منفعت بس بیشتری از دسترس‌پذیری نسخ و دست‌نویس‌های اسماعیلی موجود در کتابخانه مؤسسه که نماینده بزرگ‌ترین مجموعه در نوع خود در مغرب‌زمین است، نصیب محققان و پژوهشگران می‌شود. با این تحولات جدید، تحقیقات علمی اسماعیلیه در اواخر قرن بیستم که هم‌اکنون به مقدار زیادی افسانه‌های ضد اسماعیلی مؤثر سده‌های میانه را شالوده‌شکنی کرده و توضیح داده است، چنان وعده می‌دهد که بازمانده کژنمایی‌ها و تصویرپردازی‌های غلط از اسماعیلیان را نیز که ریشه در دشمنی یا جهل مرکب و جهل تخیلی نسل‌های پیشین دارد، از میان بردارد.^۱

۱. این بخش مطالعات جدید عیناً برگرفته از صفحات ۴۴ تا ۴۷ کتاب اسماعیلیه و ایران (مجموعه مقالات)، تألیف فرهاد دفتری و ترجمه فریدون بدره‌ای است.

فصل دوم

شکل‌گیری نهضت و عقاید اسماعیلیه

سیر تاریخی فرقه

اسماعیلیان نخستین، خود را الدعوة الهادیه^۱ نامیده و این نام را بر هر اسم دیگری ترجیح داده‌اند؛ اما این فرقه را کمتر به این نام می‌شناسند. در منابع تاریخی بر این گروه دینی اسامی دیگری نیز اطلاق شده است. اسماعیلیان که قائل به نصّ امامت اسماعیل بن جعفر، فرزند امام صادق علیه السلام هستند، در یک تقسیم‌بندی که به دوره آغازین شکل‌گیری آنان بر می‌گردد به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول معتقدند مرگ اسماعیل از روی تقیه اعلام شده^۲ و او مهدی موعود است. از نظر نوبختی^۳ و اشعری قمی^۴ این گروه به اسماعیلیان خالصه و خطاییه و از دیدگاه شهرستانی^۵ به اسماعیلیان واقفه مشهورند؛ چون در امامت اسماعیل متوقف شده‌اند.

گروه دوم به مرگ اسماعیل در زمان پدر یقین دارند و معتقدند محمد فرزند اسماعیل از سوی امام صادق علیه السلام تعیین شده است. این گروه بر خود، نام مبارکیه نهاده‌اند.^۶ البته برخی از پژوهشگران و خاورشناسان اسماعیلی‌شناس مانند ایوانف به استناد نظر ابویعقوب سجستانی^۷ در کتاب اثبات الثبوت بر این نظرند که مبارک نام خود اسماعیل بوده است. این نظر در نامه

۱. الیمن، الرشد و الهدایه، ص ۲۱.

۲. اینکه اسماعیل در سال ۱۴۳ق و پنج سال قبل از رحلت امام صادق علیه السلام وفات یافت، از مسلمات تاریخی است.

۳. نوبختی، فرق الشیعه.

۴. اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۸۰.

۵. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۴۶؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۵۸؛ اشعری قمی، همان.

۶. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۴۶؛ نوبختی، همان؛ اشعری قمی، همان.

۷. از متفکران بزرگ اسماعیلی.

عبیدالله‌المهدی مؤسس دولت فاطمیان مصر به اسماعیلیان یمن که در کتاب الفرائض و حدود الدین، تألیف جعفر بن منصور الیمن، درج گشته نیز تأکید شده است.^۱ از میان این گروه، دسته سوم در امامت محمد بن اسماعیل توقف کردند که در تاریخ به سبغیه مشهورند^۲ و قرمطیان - که بسیاری از نویسندگان قدیم و جدید، اسماعیلیان را کاملاً منطبق بر آن دانسته‌اند - از گروه سوم هستند.

قرمطیان چون داعیان بسیاری را به مناطق مختلف گسیل و هر یک از آنان سنت جدیدی را پی‌ریزی کردند، به نام‌های مختلف مشهورند. برای مثال چون مأمون برادر عبدالن، شوهر خواهر حمدان قرمطی (رهبر قرامطه)، داعی اسماعیلیان در فارس بود، اسماعیلیان فارس را مأمونیه نامیده‌اند یا در اواخر قرن سوم، داعی قرمطیان در کوفه به نام ابوحاتم زطی خوردن سبزیجات و ذبح حیوان را منع کرد؛ لذا به «بقلیه»^۳ معروف شدند و از آن پس قرمطیان جنوب عراق را بقلیه می‌خواندند.^۴ از میان بقلیون، گروهی به رهبری فردی به نام عیسی بن موسی منشعب شدند و به ابوطاهر جنّابی پیوستند. این افراد که بیشتر آنها ایرانی و در بحرین مقیم بودند، به «أجمیون» شهرت یافتند.^۵

آنچه در این بیان گفتنی است، زمینه شکل‌گیری قرامطه است. تاریخ‌نگاران متقدم معتقدند زمانی که عبیدالله‌المهدی مدعی امامت شد و دولت فاطمیان را در شمال آفریقا تأسیس کرد، حمدان قرمط از او جدا شد و قرامطه را شکل داد؛^۶ زیرا آنان معتقد بودند که دولت مستقل اسماعیلی در بحرین - که در ادامه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و نیز زندگی فردی‌شان افراطی‌تر شدند - هیچ‌گاه با دیگر اسماعیلیان روابط دوستانه‌ای نداشته‌اند. عبیدالله‌المهدی در اولین فرصت علیه قرامطه قیام کرد و حمدان قرمط را از داعی‌گری منطقه عراق عزل و به جای او ابوالحسن نامی را در حماة منصوب کرد. مکاتبه عبیدالله با ابوالحسین در رساله استتار الامام آمده

۱. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۲. نوبختی، فرق‌الشیعه، ص ۶۱-۶۴؛ اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۸۳-۸۶؛ دیلمی، بیان مذهب الباطنیه و بطلانه، ص ۲۱.

۳. بقل به معنی سبزیجات است.

۴. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۵۷.

۵. همان، ص ۱۵۸؛ البته این وجه تسمیه مشخص نیست. شاید منظور «عجمیون» باشد که در برگردان تغییر کرده است یا از واژه «أجم» به معنای حصون یا «أجم» به معنای شدت حرارت باشد.

۶. دواداری، کنز الدرر...، ج ۶؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء بذكر الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۱۶۷؛ نویری، نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۵، ص ۲۲۹.

است.^۱ نظر دوخویه خاورشناس معروف هلندی مبنی بر روابط دوستانه قرمطیان و فاطمیان، امروز رد شده است. ریشه این ناسازگاری، ظهور عبیدالله‌المهدی به‌عنوان امام فاطمیان بود و علت آنکه قرمطیان بحرین به آسانی به طرف افسانه مهدی ایرانی کشیده شدند، همین بود.^۲

انشعاب بزرگ‌تر در درون فرقه اسماعیلیه پس از مرگ المستنصر بالله، هشتمین خلیفه فاطمی مصر پدید آمد. افضل‌بن‌بدر جمالی وزیر خلیفه، مانع شد تا نزار فرزند ارشد المستنصر به حق قانونی ولایتعهدی برسد و برادر کوچک‌تر او المستعلی را که شوهر خواهرش بود به قدرت رساند.^۳ پس از این زمان، گروهی مدعی امامت و خلافت مشروع نزار شدند که در اسکندریه با لقب المصطفی لدین‌الله^۴ خود را خلیفه می‌دانست. این افراد از آن پس به نزاریان مشهور شدند و در ایران و سپس شام و هند به فعالیت خود ادامه دادند. گروه دیگر با نام مستعلویان در مصر و بخش‌هایی از شام باقی ماندند. پایگاه نزاریان، ایران بود که با رهبری جدید حسن صبح‌گسترش یافت.

در گروه نزاریه، یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل، جانشینی نزار بود. نزار، اگر هم فرزند ذکوری داشته، مسلم است که هیچ‌یک از پسران خود را به جانشینی انتخاب نکرده است؛ از این‌رو نزاریان، پس از کشته شدن او توسط برادرش المستعلی بدون امام ماندند. البته مؤرخانی مانند جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ابن‌قلانسی دمشقی و حتی غزالی در کتاب المنقذ من الضلال می‌نویسند که عده‌ای بر این عقیده بودند که پسر یا نواده‌ای از نزار پنهانی از مصر به آلموت برده شد.^۵ البته این نظر اساس و پایه‌ای ندارد و ادامه راه اسماعیلیان نزاری را باید در مکتب و اندیشه حسن صبح و جانشینان او جستجو کرد. حسن صبح چگونگی آشنایی خود با

۱. این رساله قدیمی در کتاب اخبار القرامطه تألیف سهیل زکار، دمشق: دار حسان، ۱۴۰۲ق آمده است.
۲. ابوطاهر پسر و جانشین ابوسعید جنابی که در انتظار مهدی موعود خود بودند، یک جوان اصفهانی به نام زکریا را که در بحرین مقامی یافته بود به‌عنوان مهدی معرفی کرد و امور حکومت را به او سپرد. البته با تندروری‌های این جوان، ابوطاهر دستور قتل او را صادر کرد.
۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء...، ج ۳، ص ۸۵. ابن‌میسر تاریخ‌نگار مشهور مصری خبر نادری را نقل می‌کند. او می‌نویسد: المستنصر به وقت عقد المستعلی با خواهر افضل، او را ولیعهد مؤمنین خوانده است؛ ابن‌مأمون، اخبار مصر، ص ۶۲. مقریزی هم نقل می‌کند که در زمان خلافت الأمر بأحكام الله در سال ۵۱۶ق، خلیفه مجلسی ترتیب داد و در آن مجلس عمه خلیفه (خواهر نزار) ولایتعهدی نزار پس از المستنصر بالله را منکر شد.
۴. مقریزی، همان، ص ۱۳؛ ابن‌مأمون، اخبار مصر، ص ۶۱. البته بی‌درنگ سربازان افضل او را کشتند. ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة (الف)، ج ۵، ص ۱۴۴؛ مقریزی، همان، ص ۸۶.
۵. ر. ک: دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۴۰۱-۴۰۲.

اسماعیلیان و فاطمیان مصر را - آن‌گونه که میرخواند در جلد چهارم روضة الصفا نقل می‌کند^۱ - چنین شرح می‌دهد:

از بدایت کودکی از ایام هفت‌سالگی همگی همت من بر تحصیل علوم و اکتساب فضایل مقصود بود و همچون پدران خویش در سلک شیعه اثناعشری انتظام داشتم و به حسب اتفاق مرا با یکی از رفیقان که او را امیر ضراب می‌گفتند ملاقات دست داده و اساس محبت میان من و وی استحکام یافت. و عقیده من آن بود که اسماعیلیه در روش و مذهب موافقند با فلاسفه، و گمان می‌پردم که حاکم مصر مردی متفلسف است. و به واسطه این معنا هرگاه که امیر در تقویت مذهب میان من و او مباحثات و مناظرات می‌رفت. و امیر هرچند در فتح مذهب من کلمات می‌پرداخت، من آنها را مسلم نمی‌دانستم، اما در دلم جاگیر می‌آمد. در اثنا این اوقات مفارقت نموده، به مرض صعب مبتلا گشتم، و در آن مرض با خود اندیشیدم که مذهب اسماعیلیه حق است و من از غایت تعصب تصدیق آن نکردم. اگر - عیاذ بالله - اجل در رسد به حق نرسیده هلاک شده باشم. عاقبت از آن رنج شفا یافته با [فرد] دیگری از اسماعیلیه که ابونجم سراج لقب داشت مختلط شدم و از حقیقت روش اسماعیلیان پرسیدم. ابونجم مذهب آن جماعت را به طریق تبیین و تفصیل تقریر نموده تا من بر غوامض آن اطلاع یافتیم. و بعد از آن با یکی داعیان ملت مذکور، مؤمن نام، که شیخ عبدالملک بن عطاش، داعی مملکت عراق، او را اجازت داده بود ملاقات کرده، التماس نمودم که در [صورت] قبول دعوت، با وی بیعت کنم. او گفت این صورت چگونه مجوز باشد، چه، رتبه تو فوق مرتبه من است، و چون الحاح من در آن امر از حد اعتدال تجاوز نمود به قبول بیعت رضا داد. و در آن اوان که شیخ عبدالملک به ری رسید به صحبت وی رفتم، و اطوار من در نظرش پسندیده آمد. امر دعوت به من حواله فرمود و گفت تو را به مصر باید رفت تا به سعادت خدمت مستنصر استسعاد یابی. در آن زمان المستنصر بالله علوی در آن دیار بر سریر خلافت و امامت تمکن داشت.

الآمر بأحكام الله (خلافت: ۴۹۵ تا ۵۲۴ ق) جانشین المستعلی دو رساله علیه نزاریان نوشت که نخستین آن به نام الهدایة الآمریه^۲ رد امامت نزار است. ردیه دوم به نام ایقاع صواعق الارغام که در واقع ردیه الهدایة الآمریه است، نوشته نزاریان شام است که در سال ۵۱۶ ق توسط الامر نوشته شد. ظاهراً در همین رساله دوم است که برای نخستین بار نزاریان به حشیشیه ملقب شده‌اند^۳ و پس از آن بود که مارکو پولو - جهانگرد ونیزی - نزاریان ایران را

۱. خلاصه نقل قول در متن آمده است.

۲. این رساله را علی اصغر آصف فیضی از اسماعیلیان مستعلوی معاصر هند در سال ۱۹۳۸ م در بمبئی چاپ کرده است.

۳. دفتری، افسانه‌های حشاشین یا اسطوره‌های فداییان اسماعیلیه، ص ۵۳.

حشیشیه نامید.^۱ از این زمان است که اروپائیان تحت تأثیر این نام‌گذاری انگیزه ترورهای فدائیان اسماعیلی را در مصرف داروی بیهوش‌کننده بنگ یا حشیش جستجو می‌کنند. البته گفتنی است که در منابع اهل سنت این فرقه با نام‌های دیگر آمده است. رشیدالدین فضل‌الله همدانی می‌نویسد: «به سبب نسخ شریعت توسط حسن دوم فرزند محمدبن بزرگ امید، نزاریان را از آن پس ملاحظه خواندند».^۲ غزالی اندیشمند معروف اهل سنت که در مخالفت و معارضت با اسماعیلیان نیز شهره است، آنان را به جهت اعتقاد به باطن آیات قرآنی و روایات، «باطنیه»^۳ نامیده است. قرامطه،^۴ خرمیه،^۵ سبعیه^۶ و تعلیمیه^۷ نام‌های دیگری است که غزالی بر این فرقه گذاشته است.

اسماعیلیان مصر هشتاد سال پس از انشعاب بزرگی که بعد از مرگ هشتمین خلیفه رخ داد به حیات سیاسی خود ادامه دادند و با انقراض دولتشان توسط صلاح‌الدین ایوبی به مناطق دیگر از جمله یمن و سپس هند مهاجرت کردند. اما اسماعیلیان ایران با ظهور شخصیتی بزرگ همچون حسن صباغ وارد مرحله جدیدی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود که تا آن زمان مخفیانه عمل می‌کردند، شدند. از این تاریخ به بعد اسماعیلیان ایران سیاست ستیز با سلجوقیان را به صورت رسمی در پیش گرفتند. با فتح قلعه الموت، اولین ضربه بر پیکر دولت مرکزی ایران (سلجوقیان) وارد شد.

حسن صباغ با تثبیت وضع خود در الموت، برای نشر دعوت، داعیانی به مناطق مختلف فرستاد. با گسترش دعوت وی در منطقه قهستان - در جنوب خراسان - که اهالی آن از حاکمان سلجوقی ناخرسند بودند، ملک‌شاه سلجوقی دریافت که اسماعیلیان در عمل دولتی خودمختار در درون امپراتوری سلجوقی شده‌اند. حوادث پیشروی اسماعیلیان مربوط به سال‌های ۴۸۴ و ۴۸۵ ق است که با قتل خواجه نظام‌الملک - وزیر مدبر ملک‌شاه در دوازدهم رمضان سال ۴۸۵ ق - نگرانی و ترس ملک‌شاه از این فرقه فزونی یافت.

۱. همان، ص ۱۸۷ به بعد. البته مجتبی مینوی معتقد است که این لفظ را مارکوپولو از خود جعل نکرده است، بلکه از مردم ایران شنیده است (ر.ک: مینوی، «باطنیه اسماعیلیه»، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد).

۲. همدانی، جامع‌التواریخ، ص ۱۶۵. همین نظر را ابوالقاسم کاشانی دارد (ر.ک: زبده‌التواریخ، ص ۱۸۵).

۳. غزالی، فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه، ص ۱۱-۱۲.

۴. همان، ص ۱۴.

۵. همان، ص ۱۲-۱۳.

۶. همان، ص ۱۷.

۷. همان، ص ۱۶.

با مرگ ملک‌شاه که اندکی پس از قتل خواجه پدید آمد، دولت سلجوقی دچار تفرقه شد و در مقابل، اسماعیلیان مواضع خود را مستحکم کردند. در دوره برکیارق نیز اسماعیلیان ایران به موفقیت‌های چشمگیری نائل آمدند. اما محمدبن ملک‌شاه همین که به قدرت رسید تمام توان خود را علیه نزاریان به کار گرفت. سرانجام با سقوط قلعه شاهد در سال ۵۰۰ق که از مراکز مهم اسماعیلی در مرکز ایران بود، ضربه سختی بر اسماعیلیان وارد شد. محمدبن ملک‌شاه قصد داشت که با محاصره طولانی، الموت (مرکز فرمانروایی اسماعیلیان) را نابود کند؛ اما با مرگ وی در سال ۵۱۱ق به این آرزو دست نیافت. پس از این سال یک دوره آرامش در فعالیت‌های حسن صباح دیده می‌شود. یکی از نویسندگان معاصر در این باره می‌نویسد:

«سال‌های باقیمانده از زندگی حسن صباح از ۵۱۱ق به بعد، اساساً در آرامش گذشت و وقف تحکیم دولت نزاری که وی بیش از هر کس دیگری برای به‌وجود آوردن آن تلاش کرده بود، شد. حسن که اکنون رهبر مرکزی جامعه نزاری بود با آنکه همچنان عنوان داعی ديلم را حفظ کرده بود، بعضی از قلعه‌هایی را که شیرگیر در رودبار گرفته بود از نو به دست آورد و از قرار معلوم، فعالیت‌های دعوت را در مناطق زیادی همچون عراق، آذربایجان، مازندران، گیلان و خراسان شدت بخشید. منابع و مآخذ موجود، موفقیت‌های نزاریان در این دوره و دهه‌های بعد را به رواداری و مسامحت سنجر درباره نزاریان نسبت داده‌اند. در واقع به نظر می‌آید که سنجر خواهان روابط مسالمت‌آمیز با نزاریان بوده و گفته شده است که این امر حاصل خنجری است که به دستور حسن صباح زیرکانه در کنار بستر سلطان بر زمین زده شده بوده، است.»^۱

جانشین حسن صباح یعنی کیا بزرگ امید به گفته جوینی «همان قاعده و سلوح صباحی را مسلوک می‌داشت».^۲ محمد پسرش نیز که از سال ۵۳۲ تا ۵۵۷ق حکومت کرد، «سنت پدر کرد».^۳ در دوران او نواحی تحت سلطه الموت در دیلمستان و گیلان گسترش یافت. اعلام قیامت و متعاقب آن نسخ شریعت از سوی حسن بن محمد یا حسن دوم در رمضان ۵۵۹ق

۱. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۴۱۹-۴۲۰. گفتنی است نگارنده سطور به اعتبار برداشت از فصل‌های دوم و سوم کتاب گران سنگ تاریخ و عقاید اسماعیلیه و نیز خویشاوندی مؤلف آن کتاب با شاه خلیل‌الله -برادر آقاخان محلاتی- معتقد بود که آقای دکتر فرهاد دفتری خود اسماعیلی مذهب است و این نکته در چاپ اول کتاب آمده بود؛ ولی ایشان با دیدن کتاب با ارسال یادداشتی از لندن برای نگارنده سطور بر شیعه امامی بودن خود تأکید کردند که بدین وسیله این نظر تصحیح می‌شود (مؤلف).

۲. جوینی، تاریخ جهانگشای، ج ۳، ص ۲۱۶-۲۱۷. ۳. همان، ص ۲۲۱.

تحول جدیدی در تاریخ سیاسی اسماعیلیه است،^۱ که در فصل‌های بعدی بدان اشاره خواهد شد. جانشین حسن دوم نیز همان سیاست پدر را دنبال کرد؛ اما فرزندش حسنِ نومی‌مسلمان، طریقتِ مماشات با اهل سنت و خلافت را در پیش گرفت.

با تغییر سیاست حسن نومی‌مسلمان، گروه بزرگی از اسماعیلیان ایران که پس از اعلام قیامت، ارتباط خود را با خارج قطع کرده بودند، از انزوا بیرون آمدند، حیاتی دوباره یافتند تا آنکه شمشیر مغول بر سر آنها فرود آمد و منقرض‌شان کرد. به‌طورکلی در یک تقسیم‌بندی، تاریخ فرقه اسماعیلیه را می‌توان چنین نشان داد:

دعوت قدیم به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره ستر از وفات امام صادق (علیه السلام) تا قیام فاطمیان در شمال آفریقا؛

۲. دوره ظهور از زمان تأسیس دولت فاطمی در ۲۹۷ق تا اختفای طیب‌بن‌آمر در ۵۲۶ق؛

۳. از امامت طیب تا امروز که بیره‌ای‌های یمن و هند تابع این شاخه‌اند.

دعوت جدید - که منظور نزاریان ایران هستند - به چهار دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره ستر اول از ۴۸۸ تا ۵۵۹ق یعنی اعلان قیامت؛

۲. از اعلان قیامت تا انهدام الموت به دست مغول؛

۳. دوره ستر دوم که با اختفای امامان نزاری پس از سقوط الموت شروع شده و تا ظهور

آقاخان ادامه داشته است؛

۴. دوره ظهور آقاخان تا اکنون.

منشأ و نسب اسماعیلیان

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در شکل‌گیری حوادث تاریخی این فرقه اثر گذاشته، موضوع نسب اسماعیلیان نخستین است. زمانی که این نهضت با پشت سر گذاشتن دوره ستر، خود را هویدا کرد و به مرور فعالیت سیاسی خود را گسترش داد و به‌مثابه خطر جدی برای عباسیان و هم‌پیمانان آنها درآمد، نسب آنان از سوی مخالفان مورد تردید قرار گرفت. مشهورترین نظر مخالف از عبدالله بن محمد بن علی بن رزّام رئیس دیوان مظالم بغداد در اوایل قرن چهارم است.

۱. برای آشنایی با جزئیات این حادثه ر. ک: همان، ص ۲۲۵-۲۳۰ و ۲۳۷-۲۳۹؛ همدانی، جامع التواریخ، ص ۱۶۴-۱۶۶؛ کاشانی، زبدة التواریخ، ص ۲۰۱-۲۰۷.

رساله او که مفقود شده و بخش‌هایی از آن در منابع دیگری چون الفهرست ابن‌ندیم^۱ آمده، به نام‌های النقص علی الباطنیة^۲ و ردّ علی الاسماعیلیه^۳ معروف بوده است.

اخو محسن علوی (م ۳۷۵ق) که نوشته‌اش مصدر قول مخالفان نسب اسماعیلیان است نیز، مطالبش را از ابن‌رزّام گرفته است. وی در مورد اسماعیلیان می‌نویسد:

«این قوم از فرزندان دیسان ثنوی‌اند که مذهب ثنویه بدو منسوب است، پیروان این مذهب به دو آفریدگار نور و آفریدگار ظلمت عقیده دارند. دیسان را فرزندی بود که او را میمون القداح می‌خواندند و از غلات به شمار می‌رفته و فرقه میمونیه بدو منسوب هستند. میمون فرزندی داشت به نام عبدالله که از پدر، ناپاک‌تر و مکارتر بود. حیل‌ها و نیرنگ‌هایی برای نابودی اسلام ساخت و خود بر همه ادیان و مذاهب و علوم مربوط به آنها آگاه بود و برای دعوت و تبلیغ هفت مرتبه قرار داده بود و مردم را از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر می‌کشاند و به آخرین مرتبه که آنان را می‌رسانید، از هر دینی منصرفشان می‌ساخت و آنان را به تبطیل و اباحه سوق می‌داد، به طوری که امید ثواب و بیم عقاب از آنان زائل می‌شد. عبدالله بن میمون باطناً می‌خواست فریب‌خوردگان را به کیش خود درآورد و با مکر و نیرنگ از اموال‌شان استمداد کند، ولی ظاهراً آنان را به سوی امامی از اهل بیت پیغمبر، یعنی محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق می‌خواند تا بدین حیل مردم را به گرد خود درآورد. نخست می‌خواست استمهال خود را پیغمبر بخواند ولی توفیق نیافته است. او اهل یکی از نواحی اهواز موسوم به قورج عباس بود، سپس به عسکر مکرم آمد و ساکن ساباط ابی‌نوح گردید و مالی گرد آورد و داعیانی به اطراف پراکند و تعطیل و اباحه و مکر و فریب را از خود آشکار ساخت، تا آنکه شیعیان و معتزلیان بر او شوریدند و به خانه‌اش ریختند. او با یک تن از یارانش موسوم به حسین اهوازی که مدعی بود از فرزندان عقیل بن ابی‌طالب است، به بصره گریخت و واقعه او شهرت یافت و عسکریان در جستجوی او برآمدند، ناچار او با حسین اهوازی به سلمیه از نواحی شام فرار کرد تا خود را مخفی سازد. در آنجا دارای فرزندی شد و او را احمد نام نهاد و احمد پس از مرگ عبدالله بن میمون امر دعوت را دنبال کرد و حسین اهوازی را برای دعوت به عراق فرستاد؛ حسین در کوفه به حمدان بن الأشعث معروف به قرمط برخورد و او را به مذهب خویش خواند، حمدان پذیرفت و خود در آنجا به امر دعوت مشغول شد و قرامطه بدو منسوب می‌باشند. احمد بن عبدالله بن میمون القداح را دو فرزند بود: حسین و محمد (معروف به ابوشلعلع). پس از وفات احمد، حسین و پس از حسین، محمد به امر دعوت اشتغال جستند و حسین را فرزندی بود موسوم به سعید که امر دعوت بدو رسید. محمد دو تن را برای دعوت به مغرب فرستاد: یکی ابوعبدالله

۱. ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۳۴۸-۳۵۱. ابن‌ندیم در مورد صحت این روایت از خود سلب مسئولیت می‌کند.

۲. مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۱، ص ۱۳۷. ۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء...، ج ۱، ص ۲۳.